

بررسی عوامل موثر بر مدیریت سود با تاکید بر مسئولیت پذیری اجتماعی

بهناز طلوعی ثانی

کارشناس ارشد مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی

Email: Behnaz_tolouei@yahoo.com

چکیده

مسئولیت اجتماعی شرکت ها موضوعی جدید در ادبیات و تحقیقات حسابداری به شمار رفته و از جنبه های مختلف توسط سرمایه گذاران، تحلیل گران، مدیران و محققین مورد توجه قرار گرفته است؛ امروزه سهامداران خواهان سرمایه گذاری در شرکت هایی هستند که به گونه ای مناسب مسئولیت های اجتماعی را انجام می دهند. مطالعه حاضر عوامل موثر بر مدیریت سود با تاکید بر مسئولیت پذیری اجتماعی بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در چارچوب داده های تابلویی آزمون می کند. برای این منظور روش حداقل مربعات تعمیم یافته عملی (FGLS) و داده های مربوط به ۱۴ بانک طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۷ مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج مطالعه نشان می دهد که بر اساس نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق مشخص شد که مسئولیت پذیری اجتماعی بانک ها و مدیریت سود به صورت دو طرفه و مثبت بر یکدیگر تاثیر مثبت دارند؛ همچنین، نتایج نشان داد بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت و مدیریت سود در بانک ها ارتباط وجود دارد.

واژگان کلیدی: مدیریت سود، مسئولیت پذیری اجتماعی، حداقل مربعات تعمیم یافته و بانک.

۱-مقدمه

با توجه به اینکه سود یکی از مهمترین عوامل موثر بر تصمیم گیری های اقتصادی است، آگاهی استفاده کنندگان از قابل اتکا بودن سود می تواند آنها را در اتخاذ تصمیمات بهتر در مورد سودآوری و تجزیه و تحلیل صورت های مالی یاری دهد (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر در علم اقتصاد با فرض منطقی بودن رفتار افراد فرض می شود همه افراد به دنبال حداکثرسازی ثروت خود می باشند؛ پس مدیران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بر همین اساس مدیران با توجه به آزادی عمل خود در استفاده از رویه های حسابداری، خواهان آگاهی از چگونگی تاثیر عوامل مذکور از جمله رویه های حسابداری بر ثروت خود خواهند بود تا با به کارگیری آنها در جهت منافع خود، ثروت خود را تا حد ممکن افزایش دهند. افزایش ثروت مدیران می تواند همراه با کاهش ثروت سایر گروه ها از جمله سهامداران باشد (خانی، ۱۳۸۲). این موضوع مورد توجه متخصصان نیز بوده است به طوریکه، جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶) نظریه نمایندگی را مطرح کردند؛ آنان مدیران شرکت ها را به عنوان "کارگزاران" و سهامداران را به عنوان "کارگزاران" تعریف کردند. در تحلیل آنان، یک سهامدار در تقابل با مدیران قرار دارد. به عبارتی، تصمیم گیری به مدیران تفویض می شود. اما مشکلی که در اینجا پیش می آید این است که کارگزاران لزوماً به